

نقش مار در فرهنگ و تمدن ایلامی

کتایون پلاسعیدی^۱

چکیده

مذهب در زندگی ایلامیان، اعم از فرمانروایان و مردم عادی نقش بسزایی را ایفا می‌کرده و در تمامی ارکان هنرهای رایج آن زمان حضوری پررنگ و آشکار داشته است. می‌توان نفوذ مذهب را در کنده کاری‌های روی مهرها، نقوش برجسته و اشیای نذری و سبلیک و حتی زینتی و بر روی درپوش و یا بدنه‌ی ظروف و همچنین بر روی آثار معماری به وضوح ملاحظه کرد. ایلامیان، خدایان را به صورت مجسمه مذکر و یا مونث خلق می‌کردند و آنها را از جنس سنگ، فلز، گل و ... می‌ساختند. ایلامیان این مجسمه‌ها را در طی تشریفات مذهبی به معابد (زیگورات) خودشان می‌بردند و در اتاق مخصوص قرار می‌دادند. در این مقاله تلاش شده تا نتایج حاصل از بررسی‌های انجام بر روی آثار و شواهد کشف شده در مکان‌های باستانی ارائه شود.

واژگان کلیدی: نقش مار، ایلام، نقش برجسته، کول فره، اینشوشیناک.

مقدمه: بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که مذهب در زندگی ایلامیان نقش پررنگی داشته است. اساساً دین ایلامی به گونه‌ای پایدار، فردیت و خصوصیات ویژه‌ای دارد. بخشی از این فردیت در برگیرنده‌ی نوعی عبودیت و احترام غیر متعارف به زنانگی ابدی و پرستش مار است که ریشه در جادو دار. مار یک نقش مایه‌ی راستین تمدن ایلام است (هینتس، ۱۳۸۳: ۳۱). اعمال منظم نیایشی ایلامیان - جدا از سفرهای زیارتیشان - در معابد و زیارتگاه‌هایی صورت می‌گرفت که مهم‌ترین معبد شناخته شده، چغازنبیل است. در میان حصارهای داخلی و خارجی این معبد می‌توان باقی مانده‌های سه معبد دیگر را مشاهده کرد. در قسمت چپ داخلی، بلافاصله پس از دروازه شمالی دیوار درونی، معبد هومبن قرار دارد؛ در وسط و در سمت راست

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

شکل، جایگاهی قرار دارد که به دو خدا هیشمیتیک و روهورتر (اعضای پرستش گاه در کوه‌های انشان) اختصاص دارد. در گوشه ی شرقی صحن مقدس، مکانی که سینکوک نامیده می‌شود معبدی است که به گروهی از خدایان تعلق داشته که شامل چهار جفت خدا تحت عنوان نپرْتب بوده‌اند؛ نپ واژه‌ی ایلامی به معنای خداست و رْتب در حالت جمع به معنای روزی دهنده است. به این ترتیب نپرْتب به معنای خدایان روزی دهنده - شاید خدایان مؤنث- بوده‌اند (همان، ۱۹۱۳: ۴۴).

تشریفات مذهبی: آنان در روزهای خاصی از سال به این معابد می‌رفتند و در آنجا خدایان را مورد نیایش قرار می‌دادند. در آن روز حیواناتی را در معابد قربانی می‌کردند، سرودهای مذهبی می‌خواندند و اشیایی را به خدایان اهدا می‌نمودند. این تشریفات مذهبی را به وضوح می‌توان بر روی برخی از نقوش مهرها ویا از روی متون کتیبه‌ها جستجو کرد. همچنین می‌توان این مراسم را در نقش برجسته‌هایی در کول فره مشاهده کرد.

به هر حال ایلامی‌ها همواره به یک نیروی خاص و یک قدرت اسرار آمیز اعتقاد داشتند که در نوشته‌های خود از آن به کلمه (کیتن یا کیدن) نام می‌برند. خدایان ایلامی صاحب این قدرت اسرار آمیز بودند و کسی که نسبت به آن بی‌احترامی می‌کرد می‌بایستی زندگی خود را از دست بدهد.

نقش مار: در ایلام مار به عنوان کیتن خدای اینشوشیناک (خدای شهرشوش و هفت تپه) که به افتخارش در شوش معبدی بسیار باشکوه ساخته بودند شناخته می‌شد. اینشوشیناک خدای سوگند و قانون بود و تنها قاضی مردگان که در گور به قضاوت درباره ایشان می‌پرداخت. همچنین او خدای تاریکی و مرگ و پادشاه خدایان بود. از این رو، در بیشتر آثار هنری ایلامی ایفای نقش کرده و مورد پرستش قرار می‌گرفت. گواه این ادعا، طولانی‌ترین کتیبه‌ای است که بر روی یک تک ستون سنگی در کنار نقش حک شده ی یک مار به خط ایلامی نوشته شده است: من پوزیر اینشوشیناک،

شاه سرزمین و برگزیده هستم . من این مار را به مثابه یک تمثال وقف می کنم . شود
آیا که سرزمین ما متعلق به خدا اینشوشیناک باشد !...

دلیل دیگر ، وجود اثر مهری است که متعلق به هزاره ی دوم ق . م بوده و از شوش به
دست آمده است . در آنجا خدای اینشوشیناک به عنوان یکی از خدایان حاضر در
صحنه مهر معرفی گردیده که بر تختی به شکل چمبره ی مار جلوس کرده است .

مار در تمدن ایلامی

مار در تمدن ایلامی به عنوان نمادی از حضور بزرگترین خدای ایلامی به صورت های
گوناگون جلوه گر شده و مظاهر مختلفی را در بر می گیرد ، چراکه قدرت ظهور
اسرارآمیزش بر زمین و غیب شدن ناگهانی اش در جهان ناشناخته ی زیر زمین ، باعث
آن می شد که مار را موجودی ما فوق انسان و طبیعت که از ارواح و جان های نیاکان
محافظت می کند به پندارند. از طرفی، توانایی پوست انداختن مار و ظاهر شدنش ،
پس از ترک جلد قدیم و فرسوده، جوان و تازه شدنش، این اندیشه را قوت می بخشد
که مار می تواند دائماً تجدید حیات کند . پس آن ، موجودی نامیر و جاوید و ابدی
است که هرگز آفریده نشده و نمی میرد. شاید دلیل اینکه ، مار و زن هر دو در نزد
ایلامیان ارزش و مقامی ویژه داشتند ، در نقطه مشترکی باشد که آن دو باهم دارند
یعنی در تولد دوباره و زنده شدن ؛ زیرا زن نیز با توجه به قدرت باروری ، تولد و حیات
ابدی را در اذهان ایلامی تداعی می ساخته است. دیگر آنکه مار مظهر ارباب دوزخی
و اهریمنی و نیز نمادی از آب های زیرزمینی و حتی فوران کننده است که گاهی نیز
بر روی درپوش ظروف و بدنه ظروف به عنوان حراست و محافظت از آن چه که درون
آن بوده در مقابل ابلیس نقش می گردید . یا در جایی بر روی در معابد مصور می
گشت تا حافظ و نگهبان دروازه ها باشد. دیگر اینکه در برخی مواقع به دور درخت
زندگی می پیچد تا نمادی باشد از زندگی و هستی. گاهی دو مار به هم می پیچند تا
نمادی از تعادل اضداد و دو قطب زندگانی و مرگ و یا نمادی از باروری و تولد باشند.

به هر حال در این مقاله جهت بررسی نقش مار در فرهنگ و تمدن ایلامی ۱۴۲ اثر که نقش مار بر روی آنها وجود داشت و یا خود تمثالی از مار بودند مورد شناسایی و برحسب اولویت از قدیم به جدید مورد بررسی قرار گرفتند .
آثار بررسی شده شامل :

نقش مار بر روی ظروف مذهبی و آئینی: این گروه اختصاص به نقش مار بر روی ظروف مذهبی و آئینی ایلامی دارد که بر روی سرپوش ظروف و یا بدنه ی ظروف نقش گردیده اند . مارها به سه گونه دیده می شوند . یا به صورت مار شاخدار بوده و یا به نقش مار خدا (یعنی سری به شکل مار و بدنی به شکل انسان) و همچنین به شکل مار ساده یعنی به همان شکلی که در طبیعت می شناسیم نقش گردیده اند . بیشترین آثار متعلق به هزاره ی سوم ق . م و در هزاره ی دوم ق . م بسیار کمتر نقش گردیده اند به طوری که در اواخر هزاره دوم ق . م دیگر نقش مار بر روی ظروف رویت نمی گردد .

نقش مار بر روی اشیا ی نذری و سمبلیک : در این گروه ، نقش مار بر روی اشیا نذری و سمبلیک ایلام مشاهده می گردد که به عنوان یک نماد مذهبی در هزاره ی دوم ق . م رایج بوده و اغلب این نقش را از معابد و آرامگاههای ایلامی به دست آمده است . تمثال مارها به شکل مار ساده ، مار دو سر و همچنین مار اژدها می باشند . در این گروه تقریباً تعداد اشیا و ادواتی که به شکل مار ساده و مار اژدها می باشند به یک اندازه هستند . مار اژدها مارهایی هستند که بر روی سر شاخی کوچک دارند و پوزه ای گربه شکل با دهانی باز و دندان هایی تیز که در بعضی مواقع از آنها نیش های پر قدر نشان نمایان است .

تنوع آثار در این گروه ، بسیار زیاد است و ما می توانیم حضور مار به صور گوناگون بر روی سر مجسمه حیوانات ، میز مخصوص مراسم مذهبی ، به عنوان تاج و سرپوش مجسمه خدایان ، تبر نذری ، قفل در و یا به شکل تزئینات تخت خدایان و همچنین به

شکل بیل نذری و سر عصای سلطنتی و حتی به صورت مجسمه‌ای از خود مار مشاهده کنیم. همان طور که ذکر شد اشیاء نذری و سمبلیک ایلامی با نقش مار، از هزاره‌ی سوم ق.م مطرح شده و بر عکس ظروف مذهبی بیشترین آثار متعلق به هزاره‌ی دوم ق.م است که اوج پرستش و اعتقاد به مار را در این هزاره نشان می‌دهد. در این گروه نیز، به یک باره در هزاره‌ی اول ق.م به فراموشی سپرده می‌شود و تنها در یک اثر دیده می‌شود.

نقش مار بر روی مهرها و نقوش برجسته: سومین گروه از آثار ایلامی که نقش مار بر روی آنها رویت می‌گردد. متعلق به نقوشی است که بر روی مهرها و نقوش برجسته وجود دارد. هدف هنرمند از ساخت آنها احتمالاً نشان دادن آداب و رسوم مذهبی ایلامی درهماهنگی با ما بوده و یا در برخی موارد بتوانند در پناه مهر، امنیت خود را تأمین کنند. البته، در این گروه ۳۸ اثر به دلیل ویژگی خاص نقشی که داشتند تحت عنوان مار خدایان ایلامی مورد ارزیابی و بررسی جداگانه قرار گرفتند.

نقش مار بر روی مهرها و نقوش برجسته، به سه فرم دیده می‌شود:

۱- به شکل مار ساده که در صحنه‌های زیر مشاهده می‌شود؛

▪ ۱ مار به عنوان تهدید کننده‌ی حیوانات؛

▪ مار به عنوان نگاره‌های تزئینی؛

▪ مار به عنوان سمبل؛

▪ در صحنه‌های اسطوره‌ای؛

▪ در مراسم خاص نیایش؛

▪ در مراسم بارعام خدایان.

۲- به فرم ازدها که به شکل تخت خدا و یا در صحنه بارعام خدایان جلوه گر شده و نیز در صحنه‌های اسطوره‌ای حضور یافته است.

۳- جالب‌ترین تصویر در بین نقوش متنوع مار، شکل ترکیبی از مار با بدن خدا (انسان) است.

مارخدایان

به هر حال ایلامیان به لحاظ اعتقاد به نیروهای خاص و مرموزی که برای مارقائل می‌شدند، به تدریج او را از عالم حیوانی به عالم خدایان انتقال می‌دهند. همان‌طور که ذکر شد ایلامیان مار خدا را خلق می‌کنند و مار خدا با نیم تنه خدا و نیم تنه تحتانی به شکل مار در هزاره‌ی سوم ق.م ظهور می‌کند. کمی بعد از او و حتی شاید همزمان با او مار خدایی دیگر که تنها با سر خدا (انسان) که مرکز ثقل عقل و دانش است جلوه‌گر می‌شود و بدن به صورت ماری به حالت عمود، در پشت سر خدای موکل اش قرار می‌گیرد تا به عنوان نگهبان او را از شر تمامی نیروهای اهریمنی و شیطانی محافظت نماید. البته، در میان این دو نقش مار خدا، آنکه پیروز می‌گردد و نقشش همواره در طول هزاره‌ی دوم ق.م تا اوایل هزاره‌ی اول ق.م ادامه می‌یابد، خدایی است که مرکز ثقل اندیشه آن از قوت بیشتری برخوردار است و همانا آن مار خدا با سر خداست که در جایی به عنوان نگهبان خدای موکل اش و در جایی دیگر به صورت تختی برای اودرمی آید؛ تا بتواند پر قدرت‌ترین خدای ایلامی خدای مردگان و حیات ابدی و جاودان، اینشوشیناک خدای شوش و هفت تپه بر او بنشیند و از این طریق بتواند تمام نیروها و قدرت خود را به او انتقال دهد. پس مار خدایان به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

۱- مار خدا با نیم تنه‌ی خدا؛

۲- مار خدا با سر خدا به عنوان نگهبان؛

۳- مار خدا با سر خدا به عنوان اینشوشیناک خدای شوش و هفت تپه.

مار خدا با نیم تنه‌ی خدا از اواسط هزاره‌ی سوم ق.م رواج می‌یابد و در اوایل و اواسط هزاره‌ی دوم ق.م به اوج خود می‌رسد و بیشترین آثار را به خود اختصاص می‌دهد.

دهد. مار خدا با سر خدا به عنوان نگهبان از اواسط هزاره ی سوم ق.م آغاز و در اوایل هزاره ی دوم ق.م بسیار کمرنگ شده تا جایی که رو به فراموشی سپرده می شود. حال آنکه مار خدا با سر خدا به عنوان اینشوشیناک از اوایل هزاره دوم ق.م آغاز و در اواسط هزاره دوم ق.م به اوج می رسد. متأسفانه این نقش مایه نیز، در اوایل هزاره ق.م به فراموشی سپرده می شود. تنها در نقش برجسته نقش رستم است که می بینیم پادشاه و ملکه ای در هزاره اول ق.م به خدمت مار خدایان جهت ارادت و بندگی رسیده و تصویر خود را در کنار ایشان نقش کرده اند تا شاید از مواهب آنها بهره ببرند.

در خصوص مار خدایان، همواره سئوالاتی در اذهان نقش می بندد؛ از قبیل اینکه آیا مار خدایان از بین النهرین به ایلام نفوذ کرده اند یا برعکس. در رابطه با نفوذ اعتقادی نسبت به پرستش مار خدایان، ما در دوران اکد مار خدایان را هم در بین النهرین و هم در ایلام همزمان مشاهده می کنیم که به شکل مار نقش گردیده اند. در این زمینه با توجه به اینکه از دوران پیش از تاریخ یعنی از هزاره ی پنجم و چهارم ق.م نقش مار با فراوانی بیشتری بر روی ظروف سفالین و مهرها مشاهده می شود. اعتقاد و پرستش مار در ایران وجود داشته و حال آنکه در تمدن بین النهرین حضور مارها بر روی آثار، به ندرت بوده و نقش مار خدایان فقط در سلسله ی اکد دیده می شود و به سرعت از بین می رود و دیگر در دوره های بعدی مشاهده نمی گردد. ولی در تمدن ایلامی مار خدایان عظمت بسیاری می یابند تا جایی که نمادی می شوند از حضور پر قدرت ترین خدای خود اینشوشیناک.

سؤال دیگر درباره جنسیت مار خدایان ایلامی است. با مطالعات صورت گرفته بر روی آثار ایلامی با توجه به نقوشی که از مار خدایان حک شده است در اکثریت آثار، مار خدایان را به شکل و شمایلی مردانه به تصویر کشیده اند. تنها نقشی از مار خدای ایلامی بر روی درپوش یک ظرف مذهبی و آئینی بدست آمده که در آنجا مار خدا سری به شکل مار و بدنی به شکل خدا (انسان) دارد. شکمی به جلو آمده که در

اطرافش نیز ماران متعددی نقش گردیده‌اند. با توجه به اینکه حضورماران متعدد در صحنه‌هایی که بر روی آثار ایلامی نقش شده نمادی از باروری است و در این صحنه هم این حضور وجود دارد و مارخدای مذکور نیز در میان آنان بوده و دارای شکمی به جلو آمده است، لذا شاید بتوان گفت درازدهان ایلامی مارخدایان به عنوان یگانه نیروی هستی بخش دارای دو ذات الهی و لامتناهی و دو قوهء نرینه و مادینه توامان بوده‌اند تا بتوانند هستی را جان داده، بارور نمایند و یا حتی بتوانند حیات ابدی را روح بخشیده و جاودان سازند. نکته دیگر در خصوص پراکندگی آثاری است که نقش مارخدایان بر روی آنها وجود دارد. بیشترین آثارد در درجه ی اول از شوش و بعد از آن هفت تپه و در مناطق دیگر از قبیل، چغامیش، ملیان و چغازنبیل به ندرت مشاهده می‌گردد.

منابع

- هیتس، والتر، (۱۳۸۳)، **دنیای گمشده ایلام**، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Amiet, Glyptique susian, Memoires de la delagation en Persian, T, XLIII, vol.I&II, (Paris, 1972).
- Demorgan, j. Etat des travaux a suse en 1904, Memoires dela delegation en peres 7 (1905).
- DeMiroshedji, P. La dieu Elamit au serpent ET aux eaux jailisantes, Iranica Antiqua, vol. xvi, (Belgium 1981).
- Delaporte, L Cataloge des cylindres, etc.Mussee duLouvre (Paris 1920-23)
- De Mecquenem, R. Fouilles De suse 1933-39, Misson Archeologique en Iran , vol .XXIX ,(Paris ,1943) -
- .Hinz, W .The Lost word of Elam, Trans: J, Barhes, (London, 1972).

The role of the snake in the Elamite culture and civilization Katayon Plasaeedi.

Abstract

Religion in the life of the Elamites, including rulers and ordinary people, played a significant role, and in all the pillars of the current art of that time, it had a great presence and hatred and It is possible to see the influence of religion on the carving on the seals, the noble motifs, and even the ornament, on the cap or the body of the containers, as well as on the works of art. Elamites created the gods as male or female statues, and they were made of stone, metal, mud, etc. The Elamites took these statues to the temples (ziggurat) during religious ceremonies, and put them in the special places. This paper attempts to present the results of studies on the works and discoveries in ancient places.

Key words: The pattern of snake, Elam, stone relief, Kool Farah, Inchushinak.